

اعجاز تواضع و فروتنی

امیر دیوانی
نویسنده و مترجم (قزوین)



فروتنی بر انسان خاکسار، جز بلند مرتبه گی نمی‌افزاید، پس تواضع کنید تا خدای تان بر شما رحمت فرستد.

شب‌نم به آفتاب رسید از افتادگی
بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن
حضرت عیسی پس از آن فرمود: علم و حکمت با تواضع و فروتنی رو به سازمان یابی و آبادی می‌گذارد، نه با تکبر و بزرگ منشی و بدین سان زراعت در زمین نرم و هموار می‌روید و گیاهان در دشت و هامون فروهشته، سبز می‌شوند، نه در کوه‌های فرازمند و بر افرواشته.

به راستی:

فیض روح القدس از بار مدد فرماید
دیگران هم بکنند، آنچه مسیحا می‌کرد
شادروان سعدی، سخنور سبک "سهل و ممتنع" و مایه‌ی فخر
و افتخار عالم شعر و ادب چه خوش سروده است:

نگارنده ترجیح می‌دهد روایتی عبرت آموز و مانایی از حضرت مسیح (ع) را، به قرار زیر زینت بخش نوشته‌ی پیش رو نماید: آن حضرت به یاران خود فرمود: ای حواریون و یاران پاک من! نیاز و حاجتی را با شما در میان می‌گذارم، می‌خواهم که شما آن را بر آورده سازید. عرض کردند: یا روح اله، حاجت و نیاز شما برآورده است. ما آماده ایم. حضرت عیسی از جا برخاست و پاهای حواریون را شست و شوداد. آنان گفتند: روا و شایسته‌تر این بود که ما پاهای شما را می‌شستیم.

فرمود: سزاورترین مردم در خدمت کردن، خود عالم و دانشمند است. سپس فرمود: یگانه هدف من از دست زدن به چنین کار این بود که با رایه و اظهار تواضع خود بر شما، شما نیز به نوبه‌ی خود مانند خود من با مردم تواضع و فروتنی نمایید.
به قول مولانا صائب تبریزی:

یکی قطره باران ز ابری چکید
خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست، من کیستم
گر او هست، حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید
صدف در کنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار
که شد نامور لولو شاهوار
بلندی از آن یافت، کو پست شد
در نیستی کوفت تا هست شد
تواضع کند هوشمند گزین
نهد شاخ پر میوه، سر بر زمین

پس: کسی که فروتنی کند، نزد خود ناچیز، ولی در چشم مردم، بزرگ می باشد. هفتمین نصیحت خردمندانه و پند ارزنده‌ی لقمان حکیم به پسرش، مسالهی رعایت تواضع و فروتنی است که می توان آن را اساس و پایه‌ی ارزش و کلید گنجینه‌ی کمالات دانست. او می گوید: "پسرم! بایی اعتنایی از مردم روی مگردان." یعنی افتاده باش. به قول مولانا صائب تبریزی، سخن سرای ممتاز همه‌ی دوران‌ها:
فروتنی است دلیل رسیدگان کمال

که چون سوار به منزل رسد، پیاده شود

تواضع و خاکساری در زمره‌ی بر جسته‌ترین صفات آدمی شمرده می شود. فروتنی، زیبنده‌ی هر فردی است و برای دانایان و علم جویان سزاوارتر بوده و کبر و خود بزرگ بینی، ویژگی ناخوشایندی است که از دیدگاه همگان ناپسند شمرده می شود و برای دانشمندان و دانش پژوهان نامطلوب تر می باشد. فراگیری علم باید آدمی را در برابر سایرین فروتن تر کند نه آن که سبب خود شیفتگی و غرورش شود. پاره‌ای کسان بی جنبه و کم ظرفیت به صرف چند سال تحصیل و دستیابی به عناوین ظاهر فریب دنیایی، چنان خود خواه می شوند که خویشان را برتر از همه می انگارند و توقع دارند که خیل عظیمی از مردم، آنان را بزرگ داشته و غلام حلقه به گوش شان شوند.

به قول مثال‌های فارسی: "با شاه فالوده نمی خورد!"

اگر پدرشان را ندیده بودند، ادعای پادشاهی می کردند!

در صورتی که: "درخت هر چه بارش بیشتر می شود، سرش فروتر می آید!" اما همان گونه که در حدیث آمده است: "کسی که خویشان را عالم بشمرد و از سر فروتنی ادعا کند: "من فرزانه ام، در واقع نادان است." اینان از مرحله پرت اند، دچار کمبود شخصیت هستند و در بین مردم، احساس حقارت و کمتری می کنند و با دعوی فضل و رجحانشان بر آند تا برای خود





ناپسند و نکوهیده است. از جمله نشانه‌های تواضع این است که آدمی در رویارویی با سایرین خوش رو و خوش برخورد باشد و هنگام افت و خیز و جدا شدن از آنان، با ابروی گشاده و دلنشین، روبه‌رو یا جدا گردد و جدایی اش مهر آمیز است نه از روی بی‌اعتنایی، که باعث کینه و کدورت شده و از علایم صفات زشت، تکبر و خود شیفتگی را می‌توان نام برد.

خروج از چارچوب فروتنی، نوعی بیماری عیان است که نمایانگر مرض و عدم صفای باطن شمرده می‌شود. صفت یاد شده را علامت‌ها و درجه‌های متفاوت است، باید شفاف و به موقع رعایت شان کرد.

سعدی در باب چهارم بوستان راجع به خاکساری چنین می‌گوید:

ز خاک آفریدت خداوند پاک
 پس ای بنده، افتادگی کن چو خاک
 حریص و جهان سوز و سرکش مباش
 ز خاک آفریدندت، آتش مباش
 چو گردن کشید آتش هولناک
 به بیچارگی تن بینداخت، خاک
 چو آن سرافرازی نمود، این کمی
 از آن دیو کردند، ازین آدمی

شخصیت دروغین و خلاف واقع دست و پا کنند. در حالی که چنان چه علم اندوزی با تربیت انسانی و اخلاقی توأم باشد، باید هر چه بردانسته‌های انسان اضافه می‌گردد، خضوع و خاکساری اش فزونی گیرد.

از تواضع می‌توان کردن مسخر عالمی
 خاتم دست سلیمانی، همین پشت دو ناست

(ناصر علی سیر هندی)

به خاک این قدر دادن رمز کاری است

که عزمت نزد ما در خاک ساری است

(۴)

مفهوم تواضع و انواع آن:

"اساساً تواضع از واژه‌ی وضع که معنی فرو نهادن را دارد، گرفته شده، به همین خاطر زایمان زنان، به وضع حمل تعبیری می‌شود و مفهومش از لحاظ اخلاقی این است که بشر باید خویشتن را در مقابل پروردگار و آفریدگان پایین تر از موقعیت خویشتن بنهد، فروتنی و فرو روی نماید و عکس آن تکبر، بزرگ‌نمایی و تفرعن است که جز صفات نکوهیده و پایه و مایه‌ی کژ راهی‌های فکری و علمی بسیار ردیله به حساب می‌آید. گفتنی است فروتنی مفهوم ذلت و خواری خود فرد نیست که



علما و دانشمندان هم مانند پیشوایان دین، در مقابل مردم بسی افتاده بوده و پیوسته با آن‌ها خاکسارانه رفتار می‌کردند. نقل است که روزی علامه مقدس اردبیلی سفر می‌کرد. یکی از زائران که اورانمی شناخت، گفت: "جامه‌های مرا هم ببر نزدیک آب، بشوی و چروک شان را بگیر." وی پذیرفت و لباس‌های آن مرد را برد، شست و آورد تا تحویلش دهد. در این هنگام، آن مرد، علامه را شناخت و خجالت کشید. مردم نیز او را سرزنش کردند. مقدس اردبیلی فرمود: "چرا ملامتش می‌کنید، مطلبی نشده است. حقوق برادران مومن بر یکدیگر بیش از این هاست!" حاج شیخ عباس قمی، بعد از نقل این رخداد می‌گوید: "مولانا در این امر به امام هشتم اقتدا کرد، زیرا در وایت آمده است که روزی امام هشتم وارد حمام شد، شخصی در آنجا بود که آن حضرت رانمی شناخت، گفت: بیامرا کیسه بکش. امام چنین کرد. آنگاه مردم آمدند، ایشان را شناختند و بابت خواسته‌ی آن فرد معذرت خواستند. امام با آن‌ها سرگرم صحبت بود تا نگران نباشد و همین‌گونه ادامه داد تا کیسه کشیدن او را تمام کرد. شادروان دکتر محمد حسابی، فیزیک دان نامدار ایران می‌گفت: "بزرگترین درس زندگی ام را زمانی آموختم که انیشتین مرا استاد خواند، آن زمان متوجه شدم هر چه انسان، وجود ارزشمند تری داشته باشد، همان اندازه فروتن و مودب هم هست."

این هاپاره‌ای از سخنان استاد یاد شده است. فردی که برای ارایه‌ی نظریه‌ی مهم اش در زمینه‌ی بی‌نهایت بودن ذرات به دانشگاه پرینستون سفر کرده و به دیدار انیشتین رفت. انیشتین به دکتر حسابی گفت که نظریه اش در آینده‌ای دور، علم فیزیک را متحول خواهد ساخت لکن هنوز کامل نیست و باید روی آن

کار کند. به همین دلیل بهترین آزمایشگاه با تمام امکانات در اختیار دکتر حسابی قرار گرفت.

در پی پژوهش‌های فراوان، نظریه آماده شد. آن روز دکتر حسابی به دانشگاه مزبور رفت تا از نظریه اش دفاع کند. هنگامی که وارد تالار شد، انیشتین از جای خود برخاست و مثل تمام استادان و دانشمندان به وی احترام گذاشت و تشویقش کرد. دکتر حسابی به سرعت نظریه اش را توضیح داد. پرفسور انیشتین او را صدا کرد و گفت: "چرا این همه با عجله؟" دکتر در جواب اظهار داشت: "نمی‌خواستم وقت تان را بگیرم." انیشتین گفت: "استاد، من هم اکنون شاگرد شما هستم."

افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

(پوریای ولی)

تواضع ز گردن فرازان نکوست
گدا گر تواضع کند، خوی اوست

(سعدی)

انواع فروتنی:

"به طور کلی تواضع بر دو قسم است:

- ۱- تواضع در مقابل خدا که شامل تواضع در برابر حق و قانون پروردگار، فروتنی در قبال پیامبران، امامان و اولیا خدا.
- ۲- فروتنی در معاشرت با مردم، از دوست، همسایه، پدر و مادر، معلم، استاد، همکار و... مسلم است که افتادگی در مقابل ایزد،





تواضع دارای درجاتی است. یکی از آن‌ها این است که انسان موقعیت نفسش را بداند و آن را با قلب سالم در همان جایگاه قرار دهد و برای دیگران همان را بپسندد که برای خود می‌پسندد هر گاه از کسی بدی دید، آن را با نیکی پاسخ دهد. خشم خود را فرو برد، از گناهان مردم بگذرد و آن‌ها را مورد عفو قرار دهد. خداوند نیکو کاران را دوست دارد.

انسان یکی هزار شود از افتادگی
هر دانه ای که خاک نشین گشت، خرمنی است

(کاشانی)

تواضع مر ترا دارد گرمی
ز کبر آید بدی در نیکنمایی

(ناصر خسرو)

فروتنی در برابر متکبران:

در منابع دینی، انسان‌ها از تواضع در برابر فردی که خود را بزرگ می‌پندارد و دیگران را به دیده‌ی حقارت می‌نگرد، باز داشته‌اند، زیرا از یک سو موجب پستی و ذلت انسان است و از طرف دیگر تکبر را برای ادامه‌ی عمل ناپسندش تشویق می‌نماید و گمان می‌کند و اقلایق احترام سایرین است. در مورد اهمیت فروتنی و افتادگی هر چه گفته و نوشته شود، اندک است ولی نگارنده به همین مختصر بسنده می‌کند و مقاله‌ی حاضر را با ابیاتی نغز و حکمت آموز به پایان می‌برد:

ز افتادگی به مسند عزت رسیده است

یوسف کند چگونه فراموش، چاه را

(صائب)

"حافظ" افتادگی از دست مده زانکه حسود

عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد

عالی‌ترین و مهم‌ترین درجه‌ی فروتنی است، چنان که ضد آن تکبر در برابر خدا، بزرگترین گناه و سرکشی شمرده می‌شود. تواضع در برابر خدا، جز ایمان ژرف، اعتقاد صحیح، معرفت. راه یابی به مقام قرب الهی است. نشانه‌ی آن، نهایت تسلیم در مقابل فرمان‌های آفریدگار و پیروی از او، و کمال خضوع و خشوع در برابر عظمتش می‌باشد، به نحوی که آدمی خویشتن راهم چون افتادن قطره‌ای در اقیانوس فنادر ذات مطلق الهی بنگرد و خود را هیچ و صفر بداند و در برابر حق، هیچ گونه چون و چراند داشته باشد. همه چیز را برای او بخواهد و در مسیر رضای الهی گام بردارد و اتصالش به خداوند در حدی باشد که به قول شاعر:

اسیر تو از هشت خلد مستغنی است

غلام کوی تو از هر دو جهان آزاد است

بی مغز بود سر که نهادیم پیش خلق

دیگر فروتنی به در کبریا کنیم

(سعدی)